



یادداشت

واکنش دولت به مطالبات پرستاران، حاکی از تداوم رویکردهای تاکنونی است

صادق کار



پس از بیش از یک ماه اعتصاب و اعتراض خیابانی پرستاران و کادر درمان در بیش از ۵۰ بیمارستان و شهر، برای افزایش حقوق، حق کارانه، تعرفه گزاری عادلانه و قطع اضافه کاری اجباری شبیه به بیگاری، دولتمردان تنها با بخش کوچکی از خواسته های پرستاران موافقت کردند و مبلغ ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به حساب پرستاران واریز کردند.

خبر گزاری ایلنا روز گذشته از قول یکی از پرستاران نوشت:

یک پرستار با بیان اینکه «پرداخت این مبالغ ناچیز در جهت آرام کردن پرستاران بوده است» از پرداخت " مبلغ ۷۰۰ هزار تومان به عنوان کارانه و تعرفه یک ماه و ۹۰۰ هزار تومان به عنوان فوق العاده خاص انتقاد کرد"

این گونه پرداختها که گه گاهی زمانی که کار اعتراضات بالا می گیرد و دولت تحت فشار قرار می گیرد مسبوق به سابقه است.

دولتمردان وقتی چنین برخورد می کنند به منزله آن است که قصد اجابت مطالبات گروه های معترض را ندارند، اما برای فریب و خرید وقت و ایجاد تفرقه در میان آنان از این رویه استفاده می کنند. تازه ترین نمونه این برخورد به قضیه وعده پرداخت مبلغ ماهانه یک میلیون تومان بابت متناسب سازی به بازنشستگان تأمین اجتماعی است که بعد از یک ماه پرداخت آن متوقف شد.

هیچ کدام از مطالبات پرستاران مطالباتی زیاده خواهانه نیستند که نشود آنها را عملی کرد. اینها خواسته هایی بدیهی هستند که با در نظر داشت هزینه های زندگی، کار سنگین و مخاطره آمیز پرستاری و نقشی که آنها در حفظ و سلامتی مردم دارند، حق آنهاست. حقوق ۱۵ میلیونی به پرستار در شرایطی که هزینه



های زندگی سه برابر این حقوق است، به هیچ روی زیاده خواهی نیست. بکارگیری پرستار با قرارداد ۸۹ روزه در شرایطی که کمبود پرستار وجود دارد و شغل پرستاری یک شغل مستمر است، یک ظلم و زورگویی آشکار است که باید بر چیده شود. مطالبه محاسبه و پرداخت حق تعرفه گذاری و کارانه، و پرداخت حقوق کامل بابت اضافه کاری، هیچکدام مطالبه نا معقولی نیستند. اجبار به اضافه کاری اجباری آنهم به اندازه ساعات یک شیفت نیز هم از لحاظ ساعات و هم دستمزد اساساً طبق قانون کار غیرقانونی است. بنا بر این هیچ دلیل منطقی برای مخالفت دولت و کارفرمایان با هیچ یک از این مطالبات وجود ندارد. اما وقتی نه پذیرفته می شوند و نه حتی بر سر آنها با پرستاران مذاکره می کنند، همین برخورد معلوم می کند، دولت جدید قصد ندارد تغییری در رویکردهای فقر آور تا کنونی دولت رئیسی و دولتهای پیشین نسبت به دستمزدهای سه مرتبه کمتر از هزینه های زندگی کارگران و مزد و حقوق بگیران به رغم اعتراضات گسترده کارگران، پرستاران، معلمان و بازنشستگان بوجود بیاورد. ولی از آنجا که سطح هزینه های زندگی روز به روز فزاینده تر و غیر قابل تحملتر می شود، اعتراضات مطالباتی نیزه تبع آن روز به روز بیشتر و مطالبات معترضین رادیکالتر خواهد شد. هم از این رو است که پرستاران بعد از پرداخت این مبلغ ناچیز که اعتباری هم نیست که تداوم پیدا کند، تصمیم به برگزاری اعتراضات تازه دارند. با این وصف پرستاران هم برای هدایت موثرتر اعتراضات و پیشبرد مطالبات شان و هم برای اینکه بتوانند از طریق مذاکره و انعقاد قرارداد دسته جمعی توافقات خود با دولت و کارفرمایان را قانونی و تثبیت نمایند، احتیاج دارند خود را مستقلانه متشکل کنند. تا آن موقع اما می توانند با انتخاب شورایی مرکب از نمایندگان بیمارستانهایی که در اعتراضات شرکت دارند و دادن اختیار مشروط برای مذاکره با مدیران و مقامات دولتی به آنها بر سر خواسته هایشان چانه زنی کنند و به دولت اجازه ندهند بطور یک طرفه در مورد مطالبات آنها تصمیم بگیرد. همچنین پرستاران و همه ی کسانی که اعتصاب و اعتراض می کنند، نیاز به یک کمیته تبلیغاتی دارند تا بتوانند هنگام اعتصاب در جامعه به نفع خود اثر بگذارند و امکان موفقیت اعتصاب را بالا ببرند. قطعاً اعتصابات هر چه سازماندهی بهتری داشته باشد و حمایت و همبستگی گروه های وسیعتری را بتواند جلب و با خود همراه کند، شانس موفقیت بیشتری دارد. تداوم و گسترش اعتصابات و نحوه برخورد دولت با آنها در ضمن محکی است برای تست وعده های "انتخاباتی" و تشخیص رویکرد واقعی دولت پزشکین نسبت به وضعیت و حقوق زحمتکشان، رئیس جمهوری که مانند احمدی نژاد و رئیسی مدعی عدالتخواهی است، اگر راست می گوید و مثل آنها قصد فریبکاری ندارد، باید در عمل تفاوت های خود با آنها را نشان دهد. واکنش های تا کنونی دولت پزشکین با اعتراضات و اعتصابات کارگران، معلمان، بازنشستگان و پرستاران نشان نمی دهد که تغییری در رویکردهای دولت پزشکین نسبت به دولتهای گذشته بوجود آمده باشد.

از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن

بپیوندید!

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!

برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران

و مزد و حقوق بگیران!



صورت‌برداری از خطرات کار کودک در زنجیره های تأمین جهانی بخش دوازدهم

تحلیلی در بخشهای پوشاک، الکترونیک و کشاورزی

راشل جکسون



یک معدن خرد کبالت در کنگو و شرایط کار در آن

کار کودک: عرضه، تقاضا و پاسخ

بروزهای ویژه کار کودک در هر یک از بخشها و ردیفهای پیشگفته در زنجیره تأمین، ممکن است متفاوت باشند، اما آنها واجد برخی منشأهای مشترک اند، که با عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محلی افروخته تر می شوند.

عوامل عرضه و تقاضا 5.1

علت اصلی کار کودکان فقر است، که با عوامل دیگری مانند پذیرش اجتماعی کار کودک، این برداشت که آموزش فاقد اهمیت است، عدم دسترسی به مدرسه و/یا معلم، و غیره همراه می شود. در زیر برخی از موضوعات خاص در بخشها و در کشورهایی که بیشتر در این گزارش در ردیف 4 بررسی شده اند، بررسی شده اند.

هند، پنبه

تولید بذر هیبریدی در صنعت پنبه در هند، فعالیتی مستلزم کار فشرده است که نیاز به گرده افشانی دستی محصول دارد. کشاورزان کودکان، به ویژه دختران را استخدام می کنند تا دستمزد کمتری نسبت به کارگران بزرگسال به آنها پردازند و از نیروی کار مطیعتری مطمئن شوند که تصور می شود دستهای چابکتری برای کار ظریف گرده افشانی متقاطع دارند. کار کودکان با پیش پرداخت دستمزد آنان به والدین آنها تضمین می شود، و به این ترتیب قیدی برای کار آنها ایجاد می شود. این پیش پرداختها اغلب در طول



تابستان به خانواده‌ها صورت می‌گیرد، یعنی زمانی که خانواده‌ها با فشارهای مالی مربوط به خشکسالیهای فصلی مواجه‌اند و بیشترین نیاز را به وجوه نقدی دارند.

در حالی که نیاز بازار به نیروی کار وجود دارد، این همانا فقر است که موجب عرضه کار کودکان برای ورود به بازار کار می‌شود.

این وضعیت البته از ایالت به ایالت در هند متفاوت است، اما در برخی از جماعتی که کار پنهان به نام آنها رقم خورده است، عموماً خانواده‌ها از کاستهای پایینتری هستند و در معرض تبعیض قرار دارند. این کاستها ممکن است خودشان سطح سواد و تحصیلات پایینی داشته باشند و ارزش نگهداری کودک در مدرسه را در مقایسه با داشتن درآمد اضافی برای حمایت از خانواده درک نکنند. در واقع، اکثر کودکان کارگر در تولید پنبه دانه دیگر اصلاً به مدرسه نمی‌روند. اگرچه ترکیب کار و مدرسه ممکن به نظر می‌رسد و در ابتدای شروع به کار کودکان، واقعیت دارد، اما مطالعات نشان داده‌اند این کودکان نهایتاً برای ادامه کار و رعایت شرایط پیش پرداخت دستمزد به والدین، ناگزیر به ترک تحصیل می‌شوند.

کبالت، جمهوری دموکراتیک کنگو

بسیاری از کودکان در جمهوری دموکراتیک کنگو برای تکمیل درآمد خانوار درگیر معدنکار خرد کبالت می‌شوند. این کار عمدتاً سازماندهی نشده و غیررسمی است، به این معنی که اکثر افراد میتوانند در معدنکاری خرد شرکت کنند و کودکان بسیاری والدین خود را برای کار در معدن همراهی کنند. مطابق گزارشها، در جاهایی که وزارت معادن سایتها معدنی را به عنوان منطقه معدنکاری خرد تعیین کرده است، کودکان برای دسترسی به این سایتها 3 تا 5 هزار فرانک کنگو (2 تا 3 دلار آمریکا) به محافظان امنیتی رشوه می‌دهند.

آموزش ابتدائی در جمهوری دموکراتیک کنگو نیمروزه است؛ معمولاً یک نیروز صبح یا بعدازظهر که چهار ساعت طول می‌کشد. کودکان ممکن است قبل یا بعد از مدرسه در معدن کار کنند تا پول بیشتری عاید خانواده شود، یا به دلیل فقدان فعالیتها دیگر، والدین را در محل کار همراهی کنند. به عنوان مثال، تقریباً یک منطقه معدنی اولیه کبالت در بخش جنوبی جمهوری (Kolwezi) هیچ منطقه تفریحی در کولوزی دموکراتیک کنگو، وجود ندارد.

به علاوه، اگرچه طبق قانون اساسی جمهوری دموکراتیک کنگو، تمام تحصیلات باید رایگان باشد، کودکان ملزم به پرداخت هزینههای مدرسه برای آموزش دولتی و خصوصی، برای پوشش حقوق معلمان و سایر نیازهای مدرسه، و همچنین هزینه‌های مرتبط با آن، چون یونیفرم، لوازم تحریر و غیره‌اند. کمبود بودجه خانواده برای پرداخت هزینه تحصیل می‌تواند مانعی برای دسترسی کودکان به آموزش باشد و آنها را به دنبال "فرصتهای درآمدی" به جای تحصیل ترغیب کند.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

دومین سال روز انقلاب زن، زندگی، آزادی را گرامی می‌داریم!



"انتخابات" تمام شد، "واریزها" قطع شد!

صادق



نصرت‌الله دریابیگی، نایب رئیس کانون کارگران بازنشسته در مطلبی که خبرگزاری ایلنا آن را منتشر کرد، از "قطع پرداخت همسان سازی به بازنشستگان تامین اجتماعی انتقاد کرده و علت آنرا از مسئولین جویا شده است. او با ذکر اینکه ۷۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی حداقل بگیر هستند و در فقر و تنگدستی زندگی می کنند، گفت

طرح قانونی همسان سازی حقوق بازنشستگان لشکری و کشوری به صورت منظم اجرایی می شود اما "بازنشستگان کارگری تحت پوشش تامین اجتماعی سه ماه از دریافت ماهانه یک میلیون تومان طرح متناسب سازی محروم هستند؛ باید پرسید چرا؟"

البته چرایی این کار را او که سالها در رهبری یکی از تشکلات حکومتی در استان مازندران بود خود بهتر از هرکس می داند. بخشی از این تقصیر قطعا بر عهده خود ایشان و تشکلی است که رهبری آن را سالها بر عهده داشته است. تشکلی تا آنجا بی خاصیت که حتی قادر نشده و نیست "مبلغ ناقابل قانونی یک میلیون تومانی متناسب سازی را که معادل یک و نیم کیلو گوشت است برای بازنشستگانی که ادعای رهبری آنها را دارد بگیرد. علت پرداخت یک میلیون بابت ماه اول چیزی غیر از مشتری جمع کردن برای رای دادن نبود و علت قطع آن همانطور که روزنامه "اقتصاد ۲۴" نوشت تمام شدن "انتخابات" بود

اقتصاد ۲۴ " در گزارشی در مورد علت قطع پرداخت یک میلیون تومان بابت قانون متناسب سازی بعد "از اتمام "انتخابات". نوشت

حال بر همگان مسجل شده که وعده های مالی و واریزهای ناگهانی، تنها تلاشی کوتاه مدت برای جلب رضایت بازنشستگان و حمایت آنها برای گرم کردن تنور انتخابات بود. طبق گزارش اقتصاد ۱۰۰، مبلغ سه میلیون تومان که قبل از انتخابات ریاست جمهوری به عنوان علی الحساب طرح متناسب سازی به حساب



بازنشستگان تأمین اجتماعی واریز شد، قرار بود در ماه‌های بعد نیز یک میلیون تومان دیگر به حقوق آن‌ها اضافه شود، اما پس از پایان انتخابات، دیگر خبری از این واریزها نبود و اکنون حتی پرداخت حقوق این افراد "نیز با تأخیرهای چند روزه انجام می‌شود"

به گمان من این شاید بهترین جوابی باشد که می‌شود به سوال نایب رئیس تشکل حکومتی بازنشستگان داد. او بدون اینکه ذره‌ای در مبارزات میدانی بازنشستگان نقش و حضور داشته باشد، ادعای نمایندگی بازنشستگان را دارد گاه به گاهی بخاطر اعلام وجود در خبرگزاری ایلنا شکوه‌ای می‌کند، بخاطر ایجاد انحراف و اختلاف میان بازنشستگان است. نه این است که او نمی‌داند حقوق کارگر با نق زدن و لاس زدن و نشستن بر سر سفره صاحبان قدرت و ثروت تأمین نمی‌شود، بلکه در طی ۳۰ چهل سال حشر و نشر و بده بستن با آنها خیلی بهتر راه کارها را می‌داند، اما وظیفه تعیین شده برای او به بیراهه بردن اعتراضات است و انصافاً در این مأموریت چند سالی خوش درخشیده. اما مدت‌هاست که در اثر افشا شدن نقش این جماعت بازنشستگان به آنها پشت کرده و تشکلهای مستقل خود را تشکیل داده‌اند. او چون می‌بیند هر هفته بازنشستگانی که با خود سازماندهی هر هفته چندین بار با تظاهرات خیابانی و شعار "فقط کف خیابان به دست میاد حق مان" رهبری واقعی مبارزات میدانی بازنشستگان برای افزایش حقوق، اجرای همسان سازی حقوق و درمان رایگان و بیمه کارآمد را به دست گرفته‌اند. هر از چندی با انجام گفتگو با خبرگزاری ایلنا خودی نشان می‌دهند. حتی در چنین مواقع ای این جماعت سعی می‌کنند با انداختن تفرقه میان بازنشستگان کشوری و لشگری با بازنشستگان تأمین اجتماعی در مبارزه متحدانه و صفوف بازنشستگان شکاف بوجود بیاورند

علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تأمین اجتماعی متحدانه مبارزه کنیم!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار داشته باشند!

یاد جانباختگان جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی را گرامی می‌داریم!



تعیین سهمیه برای کارگران ساختمانی تبعیضی است که باید از میان برداشته شود
افزایش سهمیه بیمه کارگران ساختمانی درخواستی انحرافی است!



جواد کمیزی رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهر گرگان در گفتگویی که خبرگزاری ایلنا روز گذشته با وی انجام داد پس از کلی تعریف و تمجید از وزیر کار دولت پزشکیان و ابراز خوشحالی از انتخاب احمد میدری به سمت وزیر کار گفت از میدری "انتظار دارد مشکلات معیشتی و بیمه‌ای آنها را برای همیشه حل کند"

رئیس انجمن کارگران ساختمانی در جای دیگری از همین گفتگو، کلی از انتظار اولیه خود کوتاه می‌آید و انتظار خود را محدود به افزایش سهمیه بیمه تعداد بیشتری از کارگران ساختمانی گرگان می‌کند.

متأسفانه در ابتدای سال جاری یک سهمیه بیمه اندک به شهر گرگان اختصاص داده شد که درخواست ... " داریم که این سهمیه بیمه افزایش پیدا کند"

انتظار جواد کمیزی یک انتظار چند ده ساله است که از طرف انجمن های کارگران ساختمانی شهرهای دیگر صدها بار تکرار شده اما به رغم حمایت روسای انجمن های ساختمانی از همه ی دولت‌ها و نمایندگان مجلس نه تنها برآورده نشده، بلکه شرایط برای بیمه کارگران ساختمانی سال به سال سختتر شده و تعداد کارگران تحت پوشش نیز در اثر تغییراتی که در قانون بیمه به عمل آمده کاهش یافته است بدون اینکه انجمن های مذکور توانسته باشند مانع از آن بشوند. در واقع تقاضای افزایش سهمیه ولو اینکه با آن موافقت بشود، یک تقاضای ارتجاعی است که کمک چندانی به بیمه شدن کارگران نمی‌کند. خواست درست لغو این سهمیه بندی تبعیض آمیز و ارتجاعی است.

طبق قانون اساسی حکومت و قانون کار همه ی کارگران باید تحت پوشش بیمه قرار بگیرند. در قانون مربوطه نیز کارگران ساختمانی از این قاعده مستثنی نشده‌اند. شرط و شروط پرداخت حق بیمه نیز همانهایی است که برای کلیه کارگران در قانون کار و تامین اجتماعی در نظر گرفته شده است. با این اوصاف دولت و مجلس با افزودن شرط و شروط هایی که در واقع ناقض قانون بیمه و تامین اجتماعی است اکثریت یک میلیون کارگر ساختمانی را از بیمه محروم کرده‌اند و برای کارگران ساختمانی سهمیه بیمه



تعیین کرده‌اند. بهمین جهت تامین اجتماعی حاضر نمی شود کارگرانی را که در لیست سهمیه بند نیستند، بیمه کنند.

تعداد کارگران ساختمانی تحت پوشش بیمه و تامین اجتماعی در طی دوره سه ساله رئیسی مدعی طرفدار محرومان به کمترین حد خود رسید و بنام حمایت از محرومان بخش بزرگی از محرومترین محرومان حتی از داشتن بیمه درمانی هم محروم شدند.

این محرومیت در شرایطی صورت می گیرد که طبق داده‌های آماری مختلف بیشترین حوادث شغلی در بخش ساختمان رخ می دهد، با این وصف اکثر کارگران آسیب دیده که از حوادث جان بدر می برند، خاصه کسانی که معلول و از کار افتاده می شوند بواسطه نداشتن بیمه، عملاً بدون هیچگونه حمایتی برای بقیه عمر به حال خود رها می شوند و تامین اجتماعی کمکی به آنها نمی کند.

یکی از شروط بیمه کردن کارگران ساختمانی داشتن مدرک پایان نامه گذراندن دوره های تخصصی است. کارگرانی که به هر علت فاقد پایان نامه هستند با اینکه اکثریت کارگران این بخش را تشکیل می دهند، عملاً از پوشش بیمه‌ای کنار گذاشته می شوند. سهم حق بیمه کارفرمایی کارگران ساختمانی از "محل پروانه ساخت و ساز" تامین می شود در اثر نفوذ برج سازان در مجلس و شهرداریها تا کنون چند بار به ضرر کارگران تغییر کرده است و در واقع ریشه سهمیه بندی تبعیض آمیز بیمه کارگران ساختمانی در همین تغییرات است.

اکثریت کارگران ساختمانی متشکل نیستند و مانند سایر کارگران از حق داشتن تشکل مستقل محروم هستند. انجمن های هم که وجود دارند بواسطه وابستگی شان به جریانات حکومتی بیشتر دنباله روی آنها هستند و نهایت فعالیت آنها در کنار گردآوری رای برای این و یا آن نماینده مجلس، صرف بدست آوردن بدون حاصل دل مقامات برای کمک به رفع برخی مشکلات کارگران می شود و به محض آنکه یکی از انجمن ها تلاش می کند قدمی از مرزی که برایش تعیین کرده‌اند فراتر برود بلادرنگ از طرف وزارت کار از فعالیت اش جلوگیری می شود.

قبل از اینکه تشکلهای مستقل سرکوب و از فعالیت آنها جلوگیری به عمل بیاید، تعدادی تشکل در رشته های ساختمانی مختلف فعالیت می کردند که در یک اتحادیه متحد شده بودند و فعالیت های چشمگیر و موثری در جهت بهبود دستمزد و خاصه بیمه کردن کارگران ساختمانی داشتند. در واقع آنها بودند که بیمه را به میان کارگران ساختمانی بردند و توانستند عده زیادی از کارگران را بیمه کنند. یکی از دلایل سرکوب آنها نیز همین فعالیتها بود. زنده یاد آقای گلرنگ در تشکیل سندیکاها و اتحادیه کارگران ساختمانی که خود به سمت رئیس هیئت مدیره آن انتخاب شد نقش برجسته‌ای داشت و تا مدتی که از تعرض مصون مانده بود. و تا آخرین لحظه زندگی آنی از تلاش برای دفاع از حقوق کارگران ساختمانی غفلت نورزید.

دفاع از دولتها و مجالس حکومتی ۲۵ سال است که توسط شوراهای اسلامی و انجمن های وابسته به جناح های حاکم دنبال می شود، با این اوصاف نه تنها اتحاد این تشکل ها با نهادهای قدرت و صاحبان ثروت هیچ بهبودی در هیچ زمینه‌ای در حال و روز کارگران بوجود نیآورده بلکه به اعتراف رهبران این تشکلهای داده های رسمی وضعیت کارگران اعم از ساختمانی و غیره سال به سال بدتر شده است. وزیر کار دولت پزشکیان نیز حتی اگر میل داشته باشد، قادر به برآورده کردن این انتظار حقیر رئیس انجمن کارگران ساختمانی نیست. اولین قدم برای احیای حقوق به غارت رفته کارگران ساختمانی مبارزه برای لغو سهمیه



تبعیض آمیز بیمه ای و بازگشت به سندیکا و تشکل مستقل با استفاده از تجربیات سندیکاهای ساختمانی
مستقل پیشین است!



ادامه اعتراضات سراسری بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف

بازنشستگان مخابرات در ادامه اعتراضات هفتگی خیابانی خود در این هفته نیز در شهرهای مختلف از جمله در کرمانشاه، سنندج، اردبیل، اصفهان، تهران، زنجان، و ساری، به خیابان آمدند و علاوه بر تاکید روی مطالبات خود و تداوم اعتراضات تا گرفتن حق و حقوق شان، شعارهایی نیز علیه، فقر، فساد، اختلاس و مقامات دولتی سر دادند



اعتصاب بخشی از کارکنان بهشت زهرا

کارکنان آرامستان «بهشت زهرا»، از جمله شویندگان (غسالان) این آرامستان، در اعتراض به پایین بودن دریافتی، پرداخت نشدن «رفاهیات» تابستان، سختی گذران زندگی و پامال شدن حقوق خود، بامداد ۱۹ شهریور دست از کار کشیده، در سالن «عروجیات» بهشت زهرا گرد هم آمده اند



اصبرها در حال سرریز شدن هستند!

حمله بازنشستگان به معاون وزارت کار

تداوم حضور بازنشستگان فولاد در وزارت کار/ درگیری با معاون وزیر کار

توجهی به مطالبات به قدری طولانی شده بازنشستگان فولاد می‌گویند: مشکلات به قدری زیاد است و بی که به محض ورود معاون وزیر کار، درگیری کوتاهی بین برخی از تجمع‌کنندگان و معاون اقتصادی وزارت کار اتفاق افتاد



احمد قاسمی» بازنشسته کارگری در روستای کن سراسیاب از توابع شهران تهران زندگی می‌کند؛ او در «مورد گرانی نان می‌گوید: من امروز (هجدهم شهریور) رفتم نان تافتون خریدم، یک هفته پیش دانه‌ای ۱۲۰۰ تومان بود امروز با من ۳۰۰۰ تومان حساب کردند یعنی یکباره ۱۵۰ درصد تورم! آدرس نانوایی هم هست



مرگ و مصدومیت ۸ کارگر در پنج حادثه شغلی

طی سه روز گذشته، ۸ کارگر در پنج حادثه جداگانه شغلی در استان‌های بوشهر، تهران، اصفهان، فارس و آذربایجان شرقی کشته و زخمی شدند.



اعتصاب کارگران لاستیک بارز

بنا به گزارش منابع کارگری کارگران کارخانه لاستیک سازی بارز واقع در کرمان در ۱۷ شهریور در اعتراض به پائین بودن دستمزد و کسر مالیات زیاد از دستمزد هایشان دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند





ادامه اعتراضات همکاران رسمی در پالایشگاه اول و دوم مجتمع پارس جنوبی

امروز هفدهم شهریور همکاران رسمی در پالایشگاه اول و دوم مجتمع گاز پارس جنوبی همراه با کارگران شاغل در سایر شرکت‌های نفت و گاز در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالبات خود تجمع کردند. اهم مطالبات این همکاران عبارتند از:

حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت

تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، استرداد مازاد مالیات کسر شده

حذف پیمانکاران افزایش دستمزد همبسته با پرستاران نه به سقف حقوق

کمپین ۱۴-۱۴ نه به اعدام #شریفه را آزاد کنید زن زندگی آزادی

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>